

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 52

Date of filing: 7 March 86

** AWARD - Type of Award _____
 - Date of Award _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of Mr Mosle
 - Date 6 March 86
 _____ pages in English 6 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

OPINION

Case No: 52 Chamber One

پرونده شماره ۵۲ -

شعبه یک

حکم شماره ۱ - ۵۲ - ۲۱۵

English version
 Filed on 6 March 86
 نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۵
 ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	7 MAR 1986 ۱۳۶۴/۱۲/۱۶
No.	52
	تاریخ
	شماره

DUPLICATE
 ORIGINAL
 نسخه برابر اصل

بلانت برادرز کورپوریشن ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

شرکت خانه سازی ایران ،

خواندگان .

نظر موافق ریچارد ام. ماسک

به منظور حصول اکثریت ، من با حکم صادره در این پرونده موافقت می‌کنم .

من راجع به نتیجه‌گیری دیوان در مورد قابلیت اعمال اصل فورس ماژورنسبت به تعهدات شرکت خانه سازی ایران ("خانه سازی") در رابطه با کمبودسیمان ، تردید دارم ، هرچند که آن نتیجه‌گیری تأثیری در ما حاصل ندارد . با تصمیم دیوان مبنی بر اینکه بموجب بیانیه حل و فصل دعوی ، یک تبعه ایالات متحده ، که ادعای غیرمستقیمی را بر اساس خسارات متحمله یک واحد تحت کنترل خود طرح نموده ، نمی تواند تمامی مبلغی را وصول نماید که طلب واحد تحت کنترل وی شناخته شده ، نیز مخالفم .

یک - فورس ماژور

همانطور که قاضی بوکشتیگل در (1984) 37 Arbitration and State Enterprise نوشته: "مسئله معروفی که شدیداً راجع به آن اختلاف نظر است اینست که هرگاه دولتی که صاحب یا کنترل کننده یک موسسه بازرگانی دولتی است، از طریق اعمال اختیارات عمومی در کار آن موسسه دخالت کند، آیا چنین موسسه‌ای می‌تواند بابت عدم ایفای تعهد یا نقض قرارداد به استناد فورس ماژور معاف یا معذور شناخته شود؟" قاضی بوکشتیگل متذکر می‌شود که "تصویر حاصل از مطالب دریافتی در این تحقیق همانقدر متنوع است که مباحثات حقوق بین‌الملل در این زمینه"، همان ماخذ صفحه ۳۸.

حتی اگر فرض کنیم که یک موسسه دولتی می‌تواند به دلیل اقدامات دولت، به فورس ماژور استناد کند، عوامل زیادی از جمله رابطه بین دولت و موسسه دولتی و مسئولیت واقعی اوضاع مورد استناد را باید به دقت بررسی کرد.

مدارک حاکی از آنست که خانه‌سازی در ورود و توزیع سیمان نقش داشته و عملاً "مسئولیت تهیه آن را بعهده گرفته بود. مضافاً آنکه خانه‌سازی بود که یک نوع سیمان خاص را که اغلب کمیاب بود، انتخاب کرد و بالاخره، مدرکی وجود ندارد که خانه‌سازی به اظهاراتی سی ج دیولوپمنت کامپنی در طول مدت ساختمان مبنی بر آنکه افزایش هزینه‌های ناشی از تاخیر قابل انتساب به کمبود سیمان، برعهده خانه‌سازی است، اعتراض کرده باشد.

تحت این شرایط، دلیل کافی وجود ندارد که نتیجه‌گیری کنیم که خانه‌سازی مسئول تاخیرهای قابل انتساب به کمبود سیمان نبوده است، لیکن با توجه به نتیجه‌گیری دیوان، مسئول شناختن یا شناختن خانه‌سازی بابت این قبیل تاخیرها واجد اهمیت نیست.

دو - وصول مطالبات غیرمستقیم

دلیلی در مورد تابعیت سهامدار اقلیت بی سی ج دیولوپمنت کامپنی در دست نیست. نشانی سهامدار مزبور در ایالات فلوریدا در آمریکا است، بنا بر این بسیار غیرمحمتمل بنظر میرسد که وی تابعیتی غیر از تابعیت ایالات متحده داشته باشد. صرف نظر از اینکه چه کسی با اراشبات این ادعا را بر عهده دارد که علایق اقلیت در بی سی ج دیولوپمنت کامپنی در دست یک تبعه غیر آمریکائی است. طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، خواهان باید حق داشته باشد ۱۰۰٪ مبلغی را که طلب بی سی ج دیولوپمنت کامپنی شناخته شده، وصول کند.

بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی مراحت دارد که ادعاهای اتباع ایالات متحده شامل "ادعاهائی است که بطور غیرمستقیم، از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علائق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده اند، مشروط بر اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخصی حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخصی حقوقی خود در چهارچوب این بیانیه حق اقامه دعوا نداشته باشد".

مسطقی ترین تفسیر این شرط اینست که اگر تبعه ایالات متحده از طریق مالکیت سرمایه یا سایر علائق مالی بر یک واحد غیر تبعه ایالات متحده که ادعائی علیه ایران اقامه کرده، کنترل داشته باشد، در آن صورت، تبعه ایالات متحده برای آنکه بتواند ادعای قابل طرحی را در دیوان مشخص نماید، من غیر مستقیم صاحب تمامی آن ادعا خواهد بود. بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای ماهوی ایجاد نکرده بلکه به صاحبان اکثریت سهام که اتباع ایالات متحده باشند حق می دهد ادعاهای واحد غیر تبعه ایالات متحده را در دیوان اقامه نمایند.

در عرفدعاوی بین المللی ، هرچند مواردی وجود داشته که مها مداران مطالباتشان را به نسبت سهم خود دریافت کرده اند، لیکن الگوی قطعی و تعیین کننده ای بوجود نیامده ، به ویژه در مورد نحوه انشاع معاهداتی که با معاهده مورد اختلاف در این پرونده مشابه است . بطور کلی رجوع شود به :

1 R. Lillich and B. Weston, International Claims: The Settlement by Lump Sum Agreements, 63-102 (1957); Lillich and Weston, Introduction in International Claims- Contemporary European Practice, 3-5 (R. Lillich and B. Weston, ed. 1972); Caflisch, International Claims: Contemporary Swiss Practice in id. at 142-148, 150-156,

در واقع درسند تعهدات که جزئی از بیانیه های الجزیره منعقد فی مابین ایران و ایالات متحده است ، مقرر گردیده که به منظور "پرداخت کلیه وامها و اعتبارات اعطاء شده بوسیله سندیکائی از موسسات بانکی که ... آمریکا در آن عضویت دارد" وجوه به فدرال رزرو بانک نیویورک انتقال داده شود". بند ۲ الف ماده هشت ، بدین ترتیب ، به موجب این شرط ، طرفین بیانیه های الجزیره مشخصا " اجازه دادند که یک موسسه آمریکائی ۱۰۰% بدهیهای ایران را وصول کند، و لواءینکه بعضی از این وجوه متعلق به اتباع غیر آمریکائی باشد .

تفسیر بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی بنحوی که به خواهان اجازه دهد تمامی ادعای شرکت خارجی را وصول کند، با منطق و استدلال ماده مذکور بیشتر مطابقت دارد. بموجب بیانیه حل و فصل دعاوی ، یک شرکت ایالات

متحده که من باب مثال ۴۹٪ سهامش در دست اتباع غیر آمریکائی است حق دارد تمامی مبلغ قابل وصول را دریافت کند. رجوع شود به بند ۱ ماده هفت. دلیلی ندارد که ادعای یک تبعه ایالات متحده که ناشی از کنترل وی بر واحد غیر ایالات متحده است تحت هر شرایطی و به نسبت علائقش در واحدی که متعلق به اتباع غیر ایالات متحده است، تقلیل داده شود. هیچیک از مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی به دیوان حق یا اختیار نمی‌دهد که اطمینان حاصل یا ضمانت نماید که خواهان در برابر واحد تحت کنترل و یا یک سهامدار غیر آمریکائی آن واحد، جوابگو و مسئول باشد.

تبعه ایالات متحده مسئولیتهای امانی مشخصی در مورد علائق اقلیت در واحد تحت کنترل، از جمله در مورد وجوه دریافتی از طرف واحد تحت کنترل دارد. فی الواقع، سهامداران اقلیت می‌توانند سهم نسبی خود در مبلغ وصول شده توسط خواهان را مطالبه کنند. نظر دیوان مبتنی بر این اصل است که خواهان در آینده این وظیفه امانی خود را ایفاء نکرده، در نتیجه من غیر حق دارا می‌شود. در نتیجه این نظر دیوان، تنها خواننده بناحق دارا خواهد شد، زیرا می‌تواند قسمتی از وجوهی را که طبق نظر دیوان استحقاق نداشته، برای خود نگه‌دارد. در صورتی که تبعه ایالات متحده تمامی مبلغ ادعا را دریافت نکند، برای وصول وجوهی که حکم داده نشده، دعاوی دیگری با بد اقامه شود. بدین ترتیب، تصمیم دیوان منتهی به کثرت و تعدد رسیدگی می‌شود که دادگاههای کلیه ملل از آن اجتناب می‌کنند. مضافاً، دیوان طبق نظر خود، در واقع فقط بابت جزئی از غرامت حکم صادر کرده است.

نظر دیوان در مورد این موضوع احتمالاً مشکلات دیگری نیز ایجاد می‌کند. برای نمونه، هرگاه واحدهائی بصورت زنجیری بیکدیگر وابسته باشند یا وقتی کنترل مبتنی بر جیزی سوای مالکیت سهام عادی باشد، احتمالاً مشکلاتی بروز خواهد کرد.

بنابراین، من ترجیح می‌دادم که خواهان صد درصد وجوهی را که خواننده،

خانه سازی ایران به بی سی ج دیولوپمنت کامپنی بدهکار است ، دریافت
می کرد .

باحکم صادره دراین پرونده موافقم .

لاسه ، هلند ، بتاریخ ۶-۶-۱۹۸۶

Richard M. Marshall

ریچارد ام. ماسک